

عوامل توفیق معراج السعادة در اقناع مخاطب

عبدالرسول فروتن

چکیده

از میان انواع آثار، کتب اخلاقی باید به اقناع مخاطب توجه بیشتری داشته باشند، زیرا اصولاً با این هدف نوشته شده‌اند که بر رفتار مخاطبان تأثیر بگذارند؛ رذایل اخلاقی‌شان را بزدايند و آنان را به انجام کارهای نیک برانگیزند. یکی از مهم‌ترین آثار اخلاقی شیعی به زبان فارسی، معراج السعادة نام دارد. ملا احمد نراقی (در گذشته به سال ۱۲۴۴ یا ۱۲۴۵ ق) جامع السعادات پدرش ملا مهدی (متوفی ۱۲۰۹ ق) را از عربی به فارسی به صورت آزاد ترجمه کرده، مطالبی به آن افزوده و در تنظیم مطالب هم اصلاحاتی انجام داده است؛ به گونه‌ای که خود در مقدمه کتاب که نامش را معراج السعادة گذاشته، از «تألیف» سخن می‌گوید. نراقی در طرح مباحث اخلاقی این کتاب از آیات قرآن مجید، احادیث و روایات معتبر شیعه، کتب اخلاقی پیشین، دیدگاه‌های حکمای یونانی و ادبیات غنی فارسی بهره برده است. این کتاب از همان دوران جایگاهی والا در میان کتب اخلاقی فارسی یافت. نشانه‌های این توفیق در مقاله شرح داده خواهد شد. رواج و اشتها این اثر علاوه بر اینکه به ارزش مطالب مندرج و اعتبار فاضلین نراقی (ملا مهدی و ملا احمد نراقی) مربوط است، به ویژگی‌هایی از متن باز می‌گردد که منجر به اقناع مخاطب می‌شود. در این مقاله بر متن کتاب معراج السعادة تمرکز خواهد شد و عوامل توفیق ملا احمد نراقی در ارتباط‌گیری با مخاطبان و اقناع آنان از نظر خواهد گذشت.

کلیدواژه‌ها: معراج السعادة، ملا احمد نراقی، اخلاق اسلامی، اقناع مخاطب، عوامل توفیق.

استادیار گروه مطالعات ادبی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان سمت، تهران، ایران.

(forootan@samt.ac.ir)

مقاله علمی پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۸)

۱. مقدمه

۱.۱. تعریف اخلاق

در تداول عوام وقتی از اخلاق سخن گفته می‌شود بیشتر چند ویژگی مثل مهربانی و نرم‌سخن گفتن مد نظر است. مثلاً به کسی «خوش اخلاق» می‌گویند که کمتر خشمگین می‌شود یا با افراد با عظوفت و نرمی برخورد می‌کند. اما در متون قدیم و در اصطلاح تخصصی، اخلاق قلمرو گسترده‌ای دارد و شیوه رفتار، دانش بد و نیک خوی‌ها و علم معاشرت با خلق دانسته شده است. در گذشته اخلاق را جزو فلسفه یا حکمت به شمار می‌آوردند. حکمت به دو شاخه نظری و عملی تقسیم می‌شد؛ حکمت نظری «علم به احوال اشیاء آن‌گونه که هستند یا خواهند بود» تعریف می‌شد و عبارت بود از اسفل یا طبیعی، اوسط یا ریاضی، و اعلی یا الهی. حکمت عملی توضیح اینکه «افعال اختیاری بشر چگونه و با چه روشی خوب است و باید باشد» به شمار می‌آمد و تهذیب اخلاق و تدبیر منزل و سیاست مدن را دربرمی‌گرفت (مطهری، ۱۳۸۱: ۱۶۳-۱۶۴؛ بینش، ۱۳۴۶: ۱۶۸).

۲.۱. میراث اخلاقی اسلامی - ایرانی

در میراث بازمانده از ادبیات فارسی، آثار درخور توجهی در زمینه اخلاق وجود دارد. ایرانیان پیش از اسلام به مسائل اخلاقی و تعلیم و تربیت اهتمام داشته‌اند. بعدها هم که به اسلام گرویدند، تعالیم اسلامی مؤید و مکمل مکارم اخلاقی شد (بینش، ۱۳۴۶: ۱۶۹). شاعران و نویسندگان ایرانی در آثار خود مسائل اخلاقی را متجلی کردند. کمتر کتاب و یا دیوان شعری را می‌توان یافت که در آن به مناسبتی سخنی از اخلاق نرفته باشد و نکته‌ای یا شعری اخلاقی نداشته باشد. همچنین کتاب‌هایی با موضوع و یا

عنوان اخلاق از میراث گذشتگان به ما رسیده است که عموماً برگرفته از حکمت یونانی به‌ویژه اخلاق نیکوماخوسی ارسطو با مفهوم محوری سعادت هستند (رک: احمدپور و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۳). این کتب مبانی این مباحث را مطرح می‌کنند و در کتب ادبی مثل *گلستان* و *بوستان سعدی* و *مثنوی معنوی* و حتی *شاهنامه* بسیاری از مسائل را در قالب حکایات کوتاه و بلند و عبارات ادبی و جذّاب یا ابیات می‌بینیم.

این آثار را به انواع مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند: اندرزنامه‌ها، کتاب‌های حکایات، کتب فقهی، قانون‌نامه‌ها و غیره (رک: دانش‌پژوه، ۱۳۵۲: ۲۶۳-۲۸۳). از مهم‌ترین این کتاب‌ها می‌توان به *تهذیب‌الاخلاق* ابوعلی مسکویه، *اخلاق ناصری* خواجه نصیرالدین طوسی، *ذخیره‌الملوک* میرسیدعلی همدانی، *اخلاق جلالی* جلال‌الدین دوانی، *اخلاق منصور* غیاث‌الدین دشتکی و *اخلاق محسنی* کاشفی سبزواری (همگی تألیف‌شده پیش از عصر صفوی و جز مورد اول همگی به زبان فارسی) اشاره کرد.

۲. مسئله، روش و پیشینه پژوهش

وقتی مورّخی کتابی در موضوع تاریخ می‌نویسد، هدف اولیه‌اش ثبت رویدادها و تبیین وضعیت دوران مدّ نظر است، نه تأثیرگذاری بر مخاطبان و تغییر رفتار او. شاعر یا نویسنده متن ادبی هم اگر اثرش در حوزه تعلیمی جای نگیرد، اقناع مخاطبان را در اولویت اهداف خود قرار نمی‌دهد. قانون‌گذار هم فهرست‌وار دستورهایی را به مخاطبان عرضه می‌کند. فرد ملزم به رعایت آن‌ها است تا به جزای نقدی و جز آن محکوم نشود. به همین قیاس، مؤلفان در نوشتن رساله‌های عملیه، اصول پزشکی، مسائل مهندسی و غیره صلاح‌دید خود را بر مبنای منابع و قواعدی مطرح می‌کنند. از نظر آنان، مخاطبان باید آن مسائل و نکات را بدانند یا رعایت کنند تا در آن موضوع

موفق باشند. اما در کتب اخلاقی که برای رسیدن بشر به سعادت نوشته می‌شوند، مسئله متفاوت است. در این آثار نیز قواعد و معلوماتی عرضه می‌شوند، با این حال، مؤلفی موفق است که بتواند ضمن ارتباط‌گیری اصولی با مخاطبان، آنان را با خود همراه کند. اصولاً آثار اخلاقی برای اصلاح و تهذیب اخلاق مخاطبان نوشته شده‌اند و بدین منظور نویسنده باید بتواند آنان را در پذیرفتن پیام مد نظر قانع کند. اقناع خوانندگان اثر و تأثیرگذاری بر رفتار ایشان، توفیقی است که برای تمام مؤلفان علم اخلاق حاصل نشده است. براساس تعریف بینگنر: «اقناع فرایندی است که با توسل به تعقل و احساس، در قالب مهارت‌های کلامی، غیرکلامی و رسانه‌ای، ذهنیت افراد را غالباً جهت تغییر رفتار و وادار کردن آن‌ها به عمل معین تحت تأثیر قرار می‌دهد» (مؤذنی و احمدی، ۱۳۹۳: ۹۵).

در یونان باستان سوفیست‌ها برای موفقیت در اقناع مخاطبان، معلومات زیادی از دانش‌های گوناگون کسب می‌کردند و این امر منجر به طرح مباحثی میان آنان و افلاطون شد. نخستین بار ارسطو بود که به صورت نظری درباره اقناع و فنون آن در کتاب فن خطابه یا رتوریک (Rhetoric) بحث کرد. اقناع همواره در تعریف خطابه مهم‌ترین هدف آن محسوب شده است. پس از ارسطو این مباحث شرح و بسط داده شد و به دانش بلاغت و بررسی متون راه یافت (همان: ۹۶-۱۰۴). این مباحث در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به صورت یکی از مهم‌ترین شاخه‌های نقد ادبی تجدید حیات کرد و نقد رتوریکی یا نقد ارتباطات به وجود آمد (احمدی، ۱۳۹۷: ۱۸).

روش‌های متنوعی برای اقناع مخاطب شناسایی شده است. البته باید اذعان کرد هر نویسنده از روش‌های خاص خود بهره می‌برد. این روش‌ها را این‌گونه دسته‌بندی

کرده‌اند: اظهار هدف و نیت خیر، نگرش چندوجهی و دوری از مطلق‌انگاری، صداقت، صراحت، منفعت، مرغوبیت و حقانیت (دارا بودن اعتبار و لیاقت)، دوسویه و تعاملی بودن پیام، ترتیب و تنظیم مناسب، اخلاقی و انسانی بودن پیام و استفاده از زبان آشنا در انتقال پیام (مستدل و مستند و معقول و منطقی بودن، استفاده از ابزار مناسب، فراکلیشه‌ای بودن و جدّایت داشتن) (طاهری و بیرجندی، ۱۴۰۰: ۲۹۶-۲۹۸).

معراج‌السعادة از آثار مهم اخلاقی به زبان فارسی محسوب می‌شود و تاکنون به شهرت و مقبولیت درخور توجهی دست یافته است. از این رو می‌توان به جستجوی معیارهای مذکور در این کتاب پرداخت. برای انجام این تحقیق متن معراج‌السعادة به طور کامل بررسی شده است. در ادامه با توجه به دیگر آثار ملاً احمد نراقی، منابع قدیم مربوط به شرح حال او و نیز پژوهش‌های صورت گرفته در این باره کوشش شده شناخت شایسته‌ای از این شخصیت مطرح در اوایل دوره قاجار و جایگاه معراج‌السعادة در میان دیگر آثار اخلاقی کسب شود. این تحقیق از نوع نظری و روش استفاده شده در آن تحلیل محتوای مذکور در منابع است. در این جهت، منابع و مراجع موجود بررسی و عوامل موفقیت ملاً احمد نراقی در معراج‌السعادة با توجه به نقد رتوریک واکاوی شده است.

درباب پیشینه پژوهش گفتنی است مقالات و کتاب‌های متعددی در خصوص ملاً احمد نراقی و کتاب معراج‌السعادة منتشر شده، اما در هیچ کدام اشاره‌ای به موضوع اصلی این مقاله مشاهده نشد. همچنین درباره «اقناع مخاطب» تحقیقاتی موجود است. علی محمد مؤذنی و محمد احمدی در مقاله «درآمدی بر جایگاه فرایند اقناع در فن خطابه و مطالعات ادبی» (۱۳۹۳) به مباحث نظری آن پرداخته‌اند؛ محمد احمدی

کتابی را هم در این باره منتشر کرده است: رتوریک از نظریه تا نقد (۱۳۹۷). بر مبنای این مباحث نظری مقالاتی دربارهٔ برخی متون فارسی تألیف شده است، مانند آنچه فاطمه سادات طاهری و سعیده بیرجندی (۱۴۰۰) با عنوان «شیوه‌های اقناع مخاطب در کشف‌المحجوب هجویری در آیینۀ نقد رتوریکی» نوشته‌اند.

۳. ملاً احمد نراقی

۱.۳. زندگی و زمانه

پدر ملاً احمد، ملاً محمد مهدی یا مهدی بن ابوذر - معروف به «محقق نراقی» - پس از تحصیل در حوزه‌های علمیۀ اصفهان و نجف و کربلا نزد استادانی معتبر و فاضل، در نیمۀ دوم قرن دوازدهم قمری در کاشان به تألیف چندین اثر و نیز تدریس مشغول شد. حضور او در این شهر فضای علمی و دینی را تقویت کرد (نراقی، ۱۳۶۲: ۲۴-۲۵؛ قمی، ۱۳۸۵: ۲/۱۰۲۶؛ استادی، ۱۳۸۷: ۱۵، ۷۹-۸۰). او چند فرزند داشت که از آن میان، ملاً احمد - مشهور به «فاضل نراقی» - از همه مشهورتر شد.

احمد بن ملاً محمد مهدی در چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۱۸۵ در نراق به دنیا آمد (استادی، ۱۳۸۷: ۲۰۳). تحصیلات او عموماً در کاشان نزد پدرش بود. در جوانی به همراه پدر به سفر عتبات عالیات رفت. او در حدود ۱۲۰۵ تا ۱۲۰۹ق در نجف و کربلا نزد مشایخ بزرگ آن دو شهر تحصیل کرد. سپس به نراق و کاشان بازگشت. پس از وفات پدرش به سال ۱۲۰۹ق به مرجعیت رسید و اقبال مردم به او زیاد شد. در سال ۱۲۱۰ق به سفر حج رفت (امین، ۱۴۰۳: ۱۸۴/۳؛ تهرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۱؛ استادی، ۱۳۸۷: ۲۰۴).

فتحعلی‌شاه (درگذشته به سال ۱۲۵۰ق) که خود را پادشاهی اهتمام‌کننده در ترویج دین اسلام می‌نمود، روابط نزدیکی با علمای مطرح شیعه و از جمله ملاً احمد

نراقی برقرار می‌کرد (نراقی، ۱۳۶۲: ۱۵). ملاً احمد نراقی به قول محمود میرزا قاجار بر پدرش فتحعلی شاه بسیار نفوذ داشت (قاجار، ۱۳۴۶: ۴۲۰/۲). پس از زلزله سال ۱۹۲۱ ق کاشان مدرسه قدیمی این شهر ویران شده بود. پس از بازسازی مدرسه به سال ۱۲۲۵ ق، فتحعلی شاه به کاشان رفت و تولیت مدرسه - که نامش را «سلطانی» نهادند - و موقوفات آن را به ملاً احمد نراقی سپرد (نراقی، ۱۳۶۲: ۱۵). ملاً احمد در زمرة علمایی بود که پس از شکست ایران در جنگ‌های اول با روسیه برای جهاد فتوا داد (همان: ۱۶).

در اینکه او به سال ۱۲۴۴ ق (براون، ۱۳۶۴: ۲۸۶/۴؛ قمی، ۱۳۸۵: ۸۶/۱) یا ۱۲۴۵ ق (کلانتر ضربایی، ۱۳۷۸: ۲۸۳؛ تهرانی، ۱۴۰۴: ۱۱۶/۱) در گذشته، در منابع اختلاف نظر وجود دارد. اما همه تصریح کرده‌اند که در اثر وبای عمومی در نراق بوده و در حرم امام علی علیه السلام به خاک سپرده شده است. البته از یکی از شاگردانش نقل کرده‌اند که در بیست و سوم ربیع الثانی ۱۲۴۵ این اتفاق رخ داده است (مدرّس، ۱۳۶۹: ۱۶۳/۶).

۲.۳. آثار

از ملاً احمد نراقی بیش از چهل اثر در دست است (درایتی، ۱۳۹۱-۱۳۹۳: ۱۳۶/۳۶). بیشتر این آثار در اصول و قواعد فقه و به زبان عربی است. برخی از این کتاب‌ها شرح یا ترجمه یا تلخیص یا تهذیب آثار پدرش است. احمد نراقی در اشعار خود «صفایی» تخلص می‌کرد. مشهورترین اثر ادبی او، مثنوی طاق‌دیس در بیش از ده‌هزار بیت به سبک و در وزن مثنوی معنوی جلال‌الدین مولوی است. مستند الشیعه و عوائد الایام مهم‌ترین کتب فقهی نراقی به شمار می‌روند.

۴. دربارهٔ معراج السعادة

۱.۴. تاریخ و هدف تألیف

هرچند معراج السعادة ملاً احمد نراقی به نوعی ترجمهٔ جامع السعادات پدرش ملاً محمد مهدی نراقی محسوب می‌شود، یکی از مهم‌ترین آثار اوست. وی در مقدمه تصریح می‌کند که این کتاب را به درخواست فتحعلی شاه و با توجه به ارزش والای آن در اخلاق برای استفادهٔ عامهٔ فارسی‌زبانان به فارسی برگرداند و مطالبی بدان افزود. در ساختار متن هم تغییراتی ایجاد کرد. متن زیبا و ادبی کتاب و درج اشعار متعدد به تناسب موضوع ارزش آن را دوچندان کرده است.

تاریخ تألیف کتاب در پایان نسخهٔ معراج السعادة به شمارهٔ ۸۳۷۹ کتابخانهٔ مجلس، ۱۲۲۶ق قید شده است. ملاً احمد در دست‌نویسی که به سال ۱۲۲۸ق نوشته، در میان آثار خود نام این کتاب را هم ذکر می‌کند (نراقی، ۱۳۶۲: ۲۵). بنابراین می‌توان همان ۱۲۲۶ق را به‌عنوان سال تألیف در نظر گرفت.

۲.۴. موضوع معراج السعادة

تشریح رابطهٔ میان انسان و خدا و تمرکز بر تهذیب اخلاق در جامع السعادات و معراج السعادة و توجه کمتر به «تدبیر منزل» و «سیاست مدن» - آن‌گونه که در کتب اخلاقی متأثر از حکمت یونانی مثل اخلاق ناصری و اخلاق جلالی مشاهده می‌شود - از ویژگی‌های خاص کتب فاضلین نراقی است. همین امر وجه عرفانی کتاب را تقویت کرده است. معراج السعادة در یک مقدمه و پنج باب نوشته شده است. عموم مطالب کتاب در زمینهٔ شناخت نفس، قابلیت‌های انسان و اهمیت علم اخلاق، سبب انحراف اخلاق از طریق پسندیده و حصول اخلاق ذمیمه، بیان معالجات کلیه در ازاله

ذمائم اخلاق، تفصیل انواع اخلاق و بیان شرافت فضایل و کیفیت اکتساب هر یک و شرح مفاسد رذایل و بیان معالجه اختصاصی برای هر کدام و اسرار و آداب عبادات (طهارت و نظافت، نماز، ذکر و دعا، تلاوت قرآن، روزه، حج، زیارت مشاهد مشرفه) است.

۳.۴. اهمیت و اقبال مخاطبان

معراج السعادة به مرور جایگاه خاصی در میان کتب اخلاقی یافت و در حوزه‌های علمیه شیعه به مثابه متنی درسی به کار گرفته شد. این کتاب از مهم‌ترین آثار اخلاقی دوره صفویه تا قاجاریه به شمار آمده است (رضازاده شفق، ۱۳۵۲: ۶۱۷). برخی از علمای بزرگ تشیع مطالعه این کتاب را توصیه کرده‌اند. از جمله آنچه از آیت‌الله بهجت (۱۲۹۵-۱۳۸۸ش) در پاسخ به درخواست برنامه‌ای برای سیر و سلوک نقل شده است: «روزانه نصف صفحه از کتاب شریف معراج السعادة را بخوانید و به آن عمل کنید» (صادقیان، ۱۳۹۱: ۴۶۱). شیخ عباس قمی معروف به «محدث» (۱۲۵۴-۱۳۱۹ش) گردآوری‌کننده مفاتیح الجنان هم در مقدمه منتخبی که از معراج السعادة تهیه کرده، آن را بهترین کتاب فارسی «در این فن شریف» محسوب می‌کند (قمی، ۱۳۴۸: ۱).

نسخه‌های خطی متعددی از این اثر در ایران و خارج از آن در دست است و البته چندین بار به صورت‌های مختلف به طبع رسیده است. بیست‌وسه نسخه از این اثر در کتابخانه‌های ایران فهرست شده (رک: درایتی، ۱۳۹۱-۱۳۹۳: ۳۰/۳۶۰-۳۶۱)، اما با توجه به شهرت و جایگاه کتاب و نویسنده‌اش قطعاً نسخه‌های بیشتری از آن برجای مانده است؛ همچنان‌که شیخ آقابزرگ تهرانی از نسخه‌های متعدد آن در ایران و عراق سخن می‌گوید. طبق بررسی او، قدیمی‌ترین نسخه مربوط به مکتبه امیر نجف اشرف (کتابت ۱۲۳۸ق) است (تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۲۹/۲۱). نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی به

شماره ۵۳۱۸۵ نیز در فهرست‌ها لحاظ نشده است.

خان‌بابا مشار اطلاعات سی چاپ *معراج السعادة* در ایران تا سال ۱۳۵۰ش را ثبت کرده است (مشار، ۱۳۵۰: ۴۸۱۶/۴-۴۸۱۸). تعداد چاپ و یا بازنویسی این کتاب پس از انقلاب اسلامی به مراتب بیشتر است و این امر را با جستجویی در وبگاه کتابخانه ملی می‌توان مشاهده کرد. حداقل سه بار هم در سال‌های ۱۲۹۶، ۱۳۱۲ و ۱۳۲۵ ق در شبه‌قاره چاپ شده است (نوشاهی، ۱۳۹۱: ۲۸۷/۱). این کتاب با عنوان *عروج السعادات* به زبان اردو ترجمه شده است (استادی، ۱۳۷۸: ۳۲۴). همچنین ظاهراً حاج سیدباقر مشهداردهالی متخلص به «اطهری» مطالب *معراج السعادة* را به سال ۱۳۵۳ ق در سی‌وشش‌هزار بیت به نظم درآورده و نام آن را *روضه السعادات* نهاده است (همان: ۳۲۶؛ درایتی، ۱۳۹۱-۱۳۹۳: ۱۴۷/۱۷). سیدهاشم حسینی طاهایی هم کتاب *مصباح الهدایة فی توضیح معراج السعادة* را در ۱۳۴۰ش منتشر کرده است (مشار، ۱۳۵۰: ۴۷۷۸).

با توجه به اهمیت این کتاب و نیز مفصل بودن آن، به‌ویژه برای استفاده در تدریس به نوجوانان و جوانان، از قدیم‌الایام خلاصه‌هایی نیز از این کتاب تهیه شده است: ۱. *حیات جاوید* یا *منتخب معراج السعادة* که شیخ اسدالله گلپایگانی در سال ۱۳۳۴ ق تدوین و چاپ سنگی کرده است (گلپایگانی، ۱۳۳۴). ۲. *مقامات العلیة فی موجبات السعادة الأبدیة* که شیخ عباس قمی به سال ۱۳۲۲ ق منتخب کرده و در ۱۳۴۸ ق چاپ شده است (قمی، ۱۳۴۸: ۲۲۶). ۳. *مفتاح السعادة*: دو نسخه از این منتخب مربوط به سال‌های ۱۲۸۷ و ۱۲۹۷ ق در کتابخانه‌های ایران نگهداری می‌شود. کاتب هر دو نسخه محمدقلی بن محمدزکی نوری است. بنابراین تنظیم این گزیده را به او نسبت داده‌اند (درایتی، ۱۳۹۱-۱۳۹۳: ۸۱۲/۳۰).

البته در سال‌های اخیر چند گزیده از *معراج السعادة* فراهم شده که عموماً با تصرف در متن کتاب و بازنویسی آن همراه بوده است. معتبرترین این آثار، به اهتمام احمد احمدی بیرجندی در سال ۱۳۷۵ به چاپ رسیده است.

۴.۴. جایگاه *معراج السعادة* در میان آثار اخلاقی فارسی

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، *معراج السعادة* از مهم‌ترین آثار اخلاقی تألیف‌شده به زبان فارسی در بازه زمانی صفویه تا قاجاریه دانسته شده است. به بیان دیگر، می‌توان آن را جزو مهم‌ترین آثار اخلاقی فارسی شیعه محسوب کرد؛ با این توضیح که آثار اخلاقی شیعه به زبان فارسی محدود به پس از روی کار آمدن صفویان نیست. مهم‌ترین آثار فارسی پیش از این دوران را در ابتدای مقاله معرفی کردیم.

از سال ۹۰۰ق به بعد هم کتب اخلاقی متعددی به فارسی نوشته شده که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: *انوار حکمت* (نصایح یوسفی یا کلمات یوسفی) منسوب به یوسف بن محمد هروی (تألیف ۹۱۹ق)، *سلوک الملوک* (تألیف ۹۲۰ق) اثر فضل‌الله بن روزبهان خنجی (خواجه ملا)، *آئینه شاهی* (تألیف ۱۰۶۶ق) نوشته فیض کاشانی، *حلیة المتقین* (تألیف ۱۰۸۱ق) از محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، *اخلاق حسنی* یا *اخلاق قطب‌شاهی* (تألیف ۱۰۸۳ق) اثر علی بن طیفور بسطامی، *تحفة الابرار* (تألیف ۱۱۰۰ق) تألیف علم‌الهدی محمدبن ملا محسن فیض کاشانی و *کنزالفوائد* (تألیف ۱۲۲۲ق) نوشته محمدکاظم هزارجریبی.

در عصر مشروطه و یا در آن حدود کتاب‌های اخلاقی با شیوه‌های جدیدتر و یا با اقتباس از منابع غربی به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان نوشته شد که برای نمونه می‌توان به دو کتاب اشاره کرد: *اخلاق مظفری* نوشته میرزا آقاخان نوایی ملقب به

«نبیل الدوله» (تألیف ۱۳۱۶ق) و اخلاق مصوّر نوشته میرزا ابراهیم صنیع السلطنه (تألیف قرن چهاردهم) که مجموعه‌ای از یکصد و چهل حکایت کوتاه اخلاقی و مشتمل بر یکصد تصویر، عموماً به سبک تصاویر اروپایی است.

آثار مذکور بیشتر متضمن دستورهای اخلاقی و سخنان پندآموز صوفیانه یا آداب مختلف بر مبنای روایات شیعه است. برخی نیز به دلیل اجمالی بودن و یا اطناب و تألیف به نثر مصنوع نتوانسته‌اند به شهرت برسند. در این میان، حلیة المتقین مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) تنها کتاب اخلاقی شیعه به فارسی است که می‌توان آن را از نظر جایگاه در کنار معراج السعادة قرار داد. جایگاه مؤلف آن که در کنار تألیف آثار مهمی به عربی مثل بحار الانوار و مرآة العقول (در شرح اصول کافی) حلیة المتقین را در دوازده باب به فارسی برای عموم مردم نوشت، و نیز استفاده از مطالبی که در واقع احادیث معتبر شیعه است، اهمیت این اثر را دوچندان کرده است.

اتفاقاً همان گونه که شیخ عباس محدث قمی خلاصه‌ای از معراج السعادة را با عنوان مقامات العلّیة فی موجبات سعادة الابدیة ترتیب داده، گزیده‌ای از حلیة المتقین را هم با عنوان مختصر الابواب فی السنن و الآداب مهیا کرده است. این اقدام، اهمیت این دو کتاب از نظر او و نیز شناخت صحیح شیخ عباس قمی در خصوص منابع اخلاقی شیعه را نشان می‌دهد. اتفاقاً اخیراً هر دو کتاب را با نام اخلاق و آداب در یک مجلد چاپ کرده‌اند (قمی، ۱۳۸۹).

اما حلیة المتقین در واقع ترجمه روان و نقل مضمون روایات شیعه است (مجلسی، ۱۳۶۹: ۳-۴؛ قمی، ۱۳۸۹: ۲۳۸). کتاب چهارده باب و یک خاتمه دارد و هر باب دربردارنده دوازده فصل است. هر کدام از بخش‌های کتاب، در بیان آدابی است، مثل

آداب لباس پوشیدن، آداب حلی و زیور پوشیدن و سر مه کشیدن و در آینه نظر کردن و خضاب کردن و غیره.

تفاوت این کتاب با *معراج السعادة* بسیار است؛ از جمله اینکه *معراج السعادة* به اخلاق و مسائل نظری و محاسن و رذایل اخلاقی پرداخته است و البته از بخش‌های مختلف متن می‌توان درباره آداب هم نکاتی استخراج کرد. اما *حلیة المتقین* به آداب زندگی پرداخته است. این نکته را می‌توان تا حدودی از مقایسه فهرست مطالب دو کتاب دریافت کرد. تفاوت اساسی دیگر وجه ادبی - عرفانی *معراج السعادة* است. *حلیة المتقین* را نمی‌توان ادبی و متأثر از اندیشه‌های راستین عرفانی به شمار آورد. متن فارسی ساده‌ای دارد و هیچ شعری هم در آن به کار نرفته است. برای نمونه بخشی از متن را از نظر می‌گذرانیم:

«در آداب غسل و نماز و دعا در وقت بیرون رفتن: سید بن طاووس علیه الرحمه روایت کرده است که چون اراده سفر نماید، سنت است که غسل کند پیش از بیرون رفتن در وقت غسل بگوید: بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم... در حدیث معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که هیچ خلیفه آدمی در اهلش نمی‌گذارد بهتر از آنکه در وقت بیرون رفتن دو رکعت نماز بگذارد پس بگوید: اِنِّی استودعک نفسی و اهلی و مالی و ذریّتی و دنیای و آخرتی و امانتی و خاتمة عملی. ابن طاووس علیه الرحمه گفته است که در رکعت اول قل هو الله احد و در رکعت دوم انا انزلناه بخوان» (مجلسی، ۱۳۶۹: ۵۱۷).

در همین موضوع نماز و طهارت مطالب بسیار ساختارمند و زیبایی در *معراج السعادة* مشاهده می‌شود که در ادامه به قسمتی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد (در بخش فراکلیشه‌ای بودن و جدّابیت داشتن). در واقع می‌توان *حلیة المتقین* را سرآمد

آثار اخلاقی این دوره به زبان فارسی از منظر رعایت آداب روزمره دانست و *معراج السعادة* را بهترین اثر اخلاقی فارسی از منظر تهذیب اخلاق و حکمت و عرفان و ادبیات.

۵. عوامل اقناع مخاطب در *معراج السعادة*

با توجه به روش‌های یادشده در اینجا کوشیده‌ایم مهم‌ترین عوامل اقناع مخاطب در *معراج السعادة* را به همراه شواهدی از متن ذکر کنیم. طبعاً به دلیل محدودیت حجم مقاله نمی‌توان به تفصیل در خصوص هریک نکاتی بیان کرد.

۱.۵. **اظهار هدف و نیت خیر:** طبعاً هدف ملاً محمدمهدی نراقی برای نوشتن *جامع السعادات* و نیز هدف فرزند او برای ترجمه و اصلاح آن خیر بوده است. ملاً احمد در مقدمه *معراج السعادة* به این امر اشاره دارد:

«کتاب مذکور [جامع السعادات] که از جمله کتب مصنفه در این فن [اخلاق]... به زبان عربی تعبیر و ارباب ایمان و اصحاب ایقان فارسی‌زبانان را از فواید آن بهره حاصل نبود... بنابراین با وجود عدم بضاعت و قلت استطاعت و تفرق بال و تکسر احوال، بعد از استعانت از حضرت ربّ الارباب و استمداد از ارواح مقدسه ائمه اطیاب، شروع در تألیف این کتاب شد. امید که... کافه انام از فواید آن بهره‌یاب...» (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۹-۳۰).

۲.۵. **نگرش چندوجهی و دوری از مطلق‌انگاری:** آموزه‌های اخلاقی در *معراج السعادة* بر مبنای مکتب و روش خاص و جانبدارانه‌ای نیست. او می‌کوشد با بهره‌گیری از نکات مطرح در کتب مربوط به حکمت عملی برگرفته از نظریات فلاسفه یونان (همچون اخلاق ناصری)، آموزه‌های دین اسلام و مذهب تشیع و سایر دیدگاه‌ها، راه سعادت را برای مخاطب خود هموار کند. در *معراج السعادة* حتی به

طالب علم در این خصوص توصیه‌های مهمی شده است که نگرش چندوجهی در آن را نمودار می‌سازد:

«لازم است بر طالب علم که ابتدا از صاحب شرع و دین، چراغ و رهبر جوید و عقل خود را از اثر او روانه سازد و عصای استدلال را به دست گیرد و نفس خود را به عبادت و طاعت و مجاهده و ریاضت تصفیه نموده، قابل قبول صور علمیه نماید. پس آنچه این‌ها او را به آن کشانند و دلالت کنند، اختیار کند؛ خواه موافق طریقه حکما بوده باشد یا متکلمین و خواه مطابق قاعده مشائین بوده باشد یا اشراقیین و خواه متحد به اقوال عرفا باشد یا متصوفه. و در علوم شرعیات به مجرد تبعیت، یک طریقه را اختیار نکند، نه از آن اخباریین باشد که قواعد اصولیه عقلیه و نقلیه و اجماع قطعیه را التفات نمی‌کنند، و نه از آن اصولیین باشد که در استنباط احکام شریعت، قواعد اهل سنت را به کار می‌برند و آراء و ظنون خود را حجت قاطع می‌شمارند و هر ظنی را در ترجیح احکام اعتبار می‌کنند و به قیاسات عامه متمسک می‌شوند. بلکه جمع میان جمیع طرق نموده، آنچه عقل صریح و نقل صحیح وی را به آن کشاند، اختیار کند. و همچنین در جمیع امور باطنیه و ظاهریه توسط را اختیار کند تا امر معاش و معاد منضبط گردد و سعادت ابد را دریابد» (همان: ۹۶-۹۷).

۳.۵. صداقت و صراحت: صداقت و صراحت دو عامل مؤثر مجزا و مستقل در

اقناع مخاطب به شمار می‌روند. در معراج السعاده این دو ویژگی بسیار مشهود است. دو شاهد از این کتاب که صداقت و صراحت را از آن می‌توان برداشت کرد:

«بدان که کلید سعادت دوجوانی، شناختن نفس خویشتن است، زیرا که شناختن آدمی خویش را اعانت بر شناختن آفریدگار خود می‌نماید» (همان: ۳۳).

«پس ای جان برادر! اگر طالب سعادت، سعی کن تا جمیع کمالات را جامع باشی و در جمیع امور مختلفه وسط و میانه‌روی را شعار خود کن. پس اول سعی کن که متوسط باشی میان علم و عمل و جامع این هر دو مرتبه باشی به قدر استطاعت و

امکان و اکتفا به یکی از این دو مکن که هرکه اکتفا به یکی نماید، از شکنندگان پشت پیغمبر خواهد بود، همچنانکه در حدیث سابق گذشت» (همان: ۹۵).

۴.۵. منفعت: داشتن منفعت اخروی و به‌ویژه دنیوی می‌تواند امری مهم در متقاعدسازی انسان به شمار رود. به این اصل هم در *معراج السعادة* توجه شده است. برای مثال:

«بدن امری است عاریت و حکم مرکب از برای نفس دارد که بدان مرکب سوار شده و از عالم اصلی و موطن حقیقی به این دنیا آمده تا از برای خود تجارتی کند و سودی اندوزد و خود را به انواع کمالات بیاراید و اکتساب صفات حمیده و اخلاق پسندیده نماید و باز مراجعت به وطن خود نماید» (همان: ۳۷).

«به تحقیق بدان که حسد تو بر کسی، باعث ضرر دین و دنیای تو می‌شود و به آن کس مطلقاً ضرری نمی‌رسد، بلکه نفع آخرت و دنیا به او عاید می‌گردد» (همان: ۴۲۶).

۵.۵. مرغوبیت و حقانیت (دارا بودن اعتبار و لیاقت): در معتبر بودن و داشتن شایستگی فاضلین نراقی برای بیان آموزه‌های اخلاقی تردیدی نیست. اشاره درخور توجهی هم در این زمینه در *معراج السعادة* دیده می‌شود:

«کسی که از اصلاح نفس خود عاجز باشد، چگونه دیگری را اصلاح می‌نماید و چراغی که حوالی خود را روشن نگرداند، چگونه [اصل: چگونگی] روشنایی به دورتر می‌بخشد؟» (همان: ۹۷).

۵.۶. دوسویه و تعاملی بودن: این ویژگی و در نظر گرفتن مخاطب و رساندن پیام مد نظر در فضایی همراه با پرسش و پاسخ از مواردی است که نقش پررنگی در اقناع مخاطب *معراج السعادة* دارد. نمونه‌ای از آن:

«خوف او از چیزهایی باشد که طبع از آن بدون سبب و جهت وحشت می‌کند، مثل جن و میت، خصوصاً در شب در حالت تنهایی. و منشأ این خوف، غلبه قوه واهمه

و قصور عقل و مدرک است و دلالت بر ضعف نفس می‌کند. و بر عاقل لازم است که اندکی با خود تأمل کند که امثال این امور به چه سبب باعث تشویش و خوف می‌شوند. کسی که در زندگانی او با قوّت و قدرت از او نمی‌ترسیدی، بلکه از حرب و مجادله او احتراز نمی‌کردی، چگونه از بدن میت بی‌حس و حرکت او خوف می‌کنی؟ و کجا دیده و یا شنیده‌ای که مرده بر زنده حمله کرده باشد و بر او غالب شده باشد؟ و جَنّی که در میان علما در وجود آن خلاف است، تو به چه دلیل یقین در وجود او کردی؟ و بعد از آنکه موجود باشد، به چه سبب در مقابل تو درمی‌آید خود را به تو می‌نماید؟ و اگر هم نمود، به چه دشمنی و عداوت درصدد ایدای تو برمی‌آید؟ و اگر هم درصدد آن برآید، به کدام قوّت بر تو غالب می‌گردد؟ آخر نه انسان اشرف ممکنات و اکثر آن‌ها مطیع و منقاد اویند؟ به چه جهت اشرف کاینات با وجود این همه احتمالات از موجودی ضعیف‌الوجود و ناقص‌القوّه پست‌فطرت خوف می‌کند؟» (همان: ۱۷۳-۱۷۴).

جالب اینکه نراقی در متن بالا حتی از احتمال وجود نداشتن جنّ سخن می‌گوید. البته پرسش او بدین معنی نیست که جنّ را که بارها در قرآن از آن یاد شده، باور ندارد. آنچه ملاً احمد نراقی در اینجا ذکر کرده (و در جامع‌السعادات پدرش نیامده)، احتمالات و استدلال‌هایی است که به قصد رفع ترس از جنّ در جهت آرای تربیتی مطرح شده است. البته اختلاف در وجود جنّ بین علما و متکلمان اسلامی وجود داشته است. برای مثال، نظام بصری (متکلم معتزلی قرون دوم و سوم هجری قمری و مؤسس فرقه نظامیه) را منکر وجود جنّ دانسته‌اند (شهرستانی، ۱۳۹۵: ۲۵).

۵. ۷. ترتیب و تنظیم مناسب: دسته‌بندی مطالب و فصل‌بندی متعدد

معراج‌السعادة از ویژگی‌های مثبت آن است.

۵. ۸. اخلاقی و انسانی بودن پیام: تحریک و تشویق انسان برای انجام کارهای

اخلاقی و دوری از رذایل اصلی‌ترین پیام این کتاب است. طبعاً این هدف والا مخاطب را برای پذیرفتن آموزه‌های مندرج در آن اقناع می‌کند.

۵. ۹. مستدل و مستند بودن: در جای‌جای این کتاب استدلال‌هایی در جهت اثبات مطالب وجود دارد. همچنین پیوسته با آیات و احادیث و روایات و نیز آیات، متن مستند می‌شود. این امر به معقول و منطقی شدن آموزه‌های اخلاقی بسیار یاری می‌رساند. برای مثال در خصوص علاج عُجب و خودبینی سه نکته ذکر می‌شود که گزیده‌ای از اولین مورد آن چنین است:

«و اما عجب به حسب و نسب، پس علاج آن دانستن چند چیز است: اول اینکه بدانی که فخر و بزرگی کردن به کمال دیگری نیست مگر از سفاهت و بی‌خردی، زیرا که کسی که خود ناقص و بی‌کمال باشد، کمال جدّ و پدر او را چه سود بخشد؟ بلکه اگر آنان زنده بودند، ایشان را می‌رسید که گویند این فضیلت از ماست، تو را چه افتاده است؟... جایی که بزرگ بایدت بود / فرزندی کس نداردت سود // چون شیر به خود سپه‌شکن باش / فرزند خصال خویشان باش. مروی است که روزی اباذر در خدمت حضرت رسول ﷺ به مردی گفت که: ای سیاه‌زاییده! حضرت فرمود: ای اباذر! سفیدزاییده را بر سیاه‌زاییده فضیلتی نیست. اباذر بر زمین افتاد و به آن مرد گفت بیا پای خود را بر رخسار من نه» (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۶۰-۲۶۱).

۵. ۱۰. استفاده از ابزار مناسب (زبان و ادبیات): یونگ حالات انسان را به هیجان، احساس، اندیشیدن و شهود تقسیم می‌کند. از میان این چهار عملکرد روح، تنها اندیشیدن می‌تواند تبدیل به امری زبانی شود. آن سه نوع حالت دیگر غیرزبان‌شناسانه‌اند و صرفاً می‌توانند با وسایطی به زبان یا هر نوع نشانه‌ای (حالات چهره، خنده، گریه و غیره) درآیند. عارفان گاه از عهده‌نشان دادن احوال خود ناتوان

بوده‌اند. در شعر و در هنرها و در قلمرو تجربه دینی و تجربه عرفانی با ساحت عاطفی زبان (زبان معرفت) سروکار داریم، نه زبان علم. از این رو تأثیر یک کلمه به اعتبار کلمات دیگر پیش و پس آن متفاوت خواهد بود. دو نوع اقناع وجود دارد: ۱. علمی و منطقی؛ ۲. بلاغی. گزاره‌های عاطفی چیزی را اثبات نمی‌کنند، بلکه ما را اقناع می‌کنند (رک: شفیع کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۴-۳۹).

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که در *معراج السعادة* به‌خوبی از آن بهره برده شده، زبان و ادبیات و به تعبیری دیگر، گزاره‌های بلاغی است. این امر را می‌توان ذیل «فراکلیشه‌ای بودن و جذابیت داشتن» هم مطرح کرد. متن روان و ادبی کتاب و استفاده از آرایه‌های متنوع به جذابیت متن کمک کرده است. نثر *معراج السعادة* ساده و روان و در عین حال ادبی است. استفاده از اشعار مختلف و متناسب با مطالب، از شاعران قدیم و نسبتاً معاصر مؤلف، علاوه بر ذوق سلیم، تسلط ملاً احمد نراقی بر ادب فارسی را نشان می‌دهد. او همچنین اشعاری از خود در کتاب گنجانده است. سجع‌پردازی و استفاده از دیگر آرایه‌های ادبی از ویژگی‌های شاخص این اثر است. می‌توان اوج هنرنمایی ملاً احمد در ادبی نویسی *معراج السعادة* را در مقدمه کتاب مشاهده کرد. اما در بخش‌های دیگر هم متن زیبا و ادبی دیده می‌شود. برای نمونه:

«آری! مردان، ساغر بلا و مصیبت را لاابالی‌وار می‌نوشتند و جامه عار و بدنامی را نمی‌پوشند، فضحیت اهل و حرم را دیدن و از شرف و بزرگی نیندیشیدن به‌جهت دو روزه حیات، از مردانگی نیست، بلکه در پاس زندگانی بی‌ثبات از سر ناموس و آبرو گذشتن دیوانگی است. شجاعان *نامدار* مردن با نام نیک را مردانگی می‌دانند و ابطال روزگار، ذکر جمیل را حیات ابد می‌شمارند. از این جهت بود که شیر مردان *میدان* دین و حفظ شریعت، روی از خنجر تیز و شمشیر خون‌ریز نگردانیدند و به

این سبب بود که *یکه تازان* *معرکه مذهب و آیین* در حمایت ملت، گرزگران و تیغ بزآن را بر فرق خود پسندیدند» (نراقی، ۱۳۷۸: ۶۷).

«پس اگر فی‌المثل، اسکندر زمان و پادشاه ملک جهان باشی، از کران تا کران حکمت جاری، و به ایران و توران امرت نافذ و ساری باشد، کلاه سروریات بر سپهر سایید و قبه خرگاہت با مهر و ماه برابری نماید، کوبه عزتت دیده کواکب افلاک را خیره سازد و طنین طنطنه حشمتت در نه گنبد سپهر دوار پیچد، چون آفتاب حیاتت به مغرب ممات رسد و خار نیستی به دامن هستی‌ات در آویزد و برگ بقا از نخل عمرت به تندباد فنا فرو ریزد، منادی پروردگار ندای الرحیل دردهد، مسافر روح عزیزت بار سفر آخرت ببندد و ناله حسرت از دل پردردت برآید و عرق سرد از جبینت فرو ریزد و دل پرحسرت همه علایق را ترک گوید، خواهی نخواهی رشته الفت میان تو و فرزندان گسیخته گردد و تخت دولت به تخت تابوت مبدل شود، بستر خاکت عوض جامه خواب مخمل گردد و از ایوان زران‌دودت به تنگنای لحد درآورند و نیم‌خشتی به جای بالش زرتار در زیر سرت نهند، آن‌همه جبروت و عظمت و جاه و حشمت چه فایده به حالت خواهد رسانید؟» (همان: ۵۳۶).

البته در این قسمت می‌توان ذکر حکایات به تناسب مخاطب را نیز افزود که در این کتاب به چشم می‌خورد. به هر روی، ملا احمد ضمن ترجمه *جامع السعادات* پدرش ملا محمد مهدی نراقی به فارسی توانست با افزودن وجوه ادبی و عرفانی متن، آن را کارآمدتر و مؤثرتر کند و باعث شهرت این اثر اخلاقی و کتاب پدر خود شود. حال آنکه به‌ویژه از نظر ادبی انتقاداتی به *جامع السعادات* وارد شده است. محمدرضا مظفر در مقدمه *جامع السعادات* از نثر ملا محمد مهدی انتقاد کرده است (نراقی، بی‌تا: ۲۱-۲۲). زهد و وارستگی و گوشه‌گیری «نراقی اول» برای کسب علم مانع از آن بود

که آن چنان که شایستگی داشت، اعتبار و شهرت کسب کند؛ از این رو اقدامات ملاً احمد در جهت تکمیل، تصحیح یا ترجمه کتاب‌های پدر خود نه تنها این آثار را کامل تر کرد، بلکه باعث پرآوازه شدن نام ملاً محمد مهدی نراقی شد.

۵. ۱۱. فراکلیشه‌ای بودن و جدّابیت داشتن (تفکر عرفانی): اینکه عرفان را «یک مکتب فکری و فلسفی متعالی و ژرف برای شناختن حق و شناخت حقایق امور و مشکلات و رموز علوم از راه اشراق و کشف و شهود» (سجادی، ۱۳۸۵: ۸) بدانیم یا «شهود مقید به شریعت» (شیخ، ۱۳۹۴: ۳۲) یا «نگاه جمال‌شناسانه و هنری به الهیات» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۱۹) یا تعریف‌های دیگر، در هر حال میان مباحث معراج‌السعادة و عرفان می‌توان پیوندی استوار برقرار کرد. در این کتاب برخلاف آثاری چون اخلاق ناصری با مباحث حکمی صرف مواجه نیستیم و رگه‌هایی از عرفان جدّاب و معنوی نیز دیده می‌شود. این امر هم فراکلیشه‌ای بودن و جدّابیت داشتن را در پی دارد و باعث می‌شود خواننده بیشتر با متن ارتباط برقرار کند؛ به قول سعدی شیرازی: «که هرچ از جان برون آید نشیند لاجرم بر دل».

در مباحث اخلاقی مسائلی وجود دارد که آن را به عرفان نزدیک می‌کند، مثل اهمیت شناخت نفس، تأثیر ریاضت و مخالفت با نفس، ذومراتب بودن انسان، اهمیت استاد و شیخ، تجربه اتحاد با خداوند و وجود انسان کامل (شیخ، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۷). آشنایی فاضلین نراقی با عرفان در طرح چنین مباحثی مؤثر بود. جالب اینکه چند دهه پس از حضور آنان در نجف اشرف، مکتب اخلاقی عرفانی نجف به دست ملاً حسینقلی همدانی پایه‌گذاری شد. در این مکتب بر محبت و عشق در بندگی خداوند تأکید می‌شد (همان: ۷۱).

در معراج السعادة در کنار استدلال‌های منطقی و استناد به آیات و احادیث، از نکات عرفانی نیز برای اقناع مخاطب استفاده می‌شود. برای مثال، زمانی که موضوع تعدد زبان پیامبر اکرم ﷺ پیش می‌آید، قبل از طرح استدلال‌های منطقی، از عرفان بهره می‌گیرد:

«هان هان تا مغرور نگردي به اينکه پيغمبر خدا زنان بسيار خواست. کار پاکان را قیاس از خود مگیر / گرچه باشد در نوشتن شیر شیر - آشنایان ره عشق در این بحر عمیق / غرقه گشتند و نگشتند به آب آلوده. اگر تمام دنیا از آن او بودی لحظه‌ای دل او را مشغول نساختی و ساعتی به فکر آن نپرداختی. چنان آتش شوق و محبت خدا در کانون سینه همایونش افروخته بود که اگر گاه‌گاهی آبی بر آن نریختی، دل او آتش گرفتگی و از آنجا سرایت به جسم مبارکش کردی...» (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۹۷).

یا آنچه ملا احمد نراقی در باب زهد می‌نویسد، به عقاید عرفا شباهت دارد:

«چون حقیقت زهد و فضیلت آن را دانستی، اکنون نپنداری که هر که ترک مال دنیا را نمود زاهد است، زیرا که ترک مال و اظهار ضیق معاش و خفت در اکل و لباس بسیار سهل است در جنب جاه و شهرت و مدح و منزلت. و بسیار از دنیاپرستان که دست از مال دنیا برداشته و به اندک قوتی اکتفا نموده‌اند تا مردم آن‌ها را زاهد شناسند و مدح کنند... پس زاهد حقیقی آن است که ترک مال و جاه، بلکه جمیع لذت‌های نفسانیته نموده باشد... و سبب این حالت، غلبه انس به خداست، زیرا که مادامی که در دل محبت خدا و انس به او غالب نشود، محبت دنیا بالکلیه از دل خارج نمی‌شود» (همان: ۳۴۸-۳۴۹).

و حتی وقتی بحث نماز که از فروع دین و مباحث مهم فقهی است به میان می‌آید، آن را از دید عرفانی مطرح می‌کند و طالبان آداب و شرایط و احکام ظاهری نماز را به کتب فقهی ارجاع می‌دهد:

«بدان که نماز ترکیبی است الهی و معجونی است آسمانی که مرکب [است] از اجزای بسیار که بعضی از آن‌ها به منزله روح، و بعضی به مثابه اعضای رئیسه بدن و بعضی به منزله سایر اعضا است... و چون این را دانستی، پس ای جان برادر! بدان که نماز تو تحفه و هدیه‌ای است که به بارگاه مالک‌الملوک می‌بری و به آن، به حضرت او تقرب می‌جویی... و بدان که آنچه از آداب و شرایط و احکام نماز که متعلق به ظاهر آن است، وظیفه علم فقه است و در آنجا مبین است. و ما در اینجا در چند فصل اشاره می‌کنیم به بعضی از اسرار باطنیه که حیات نماز به آن‌ها بسته تا در وقت نماز آدمی متذکر آن‌ها گردد» (همان: ۷۵۴-۷۵۵).

یا مرتبه چهارم و نهایی از طهارت را مطابق دید عرفانی تعریف می‌کند:

«پاک ساختن خانه دل از آنچه غیر خداست و این طهارت انبیا و صدیقین است و طهارت در هر مرتبه نصف عمل است که در آن مرتبه است، زیرا غایت قصوای اعمال قلب آن است که انوار جلال و عظمت پروردگار بر آن بتابد و معرفت کامل و حب و انس به خدا از برای او حاصل شود و این‌ها ممکن نمی‌شود تا غیر از خدا از آنجا کوچ کند، زیرا خدا با غیر در یک دل جمع نمی‌شود. پس پاک ساختن دل از غیر خدا نیمه عمل دل است و نیمه دیگر، تابیدن نور حق است در آن» (همان: ۷۴۹).

در میان مباحث اخلاقی به صورت ویژه به محبت توجه شده است:

«سزاوار آن است که آدمی با تمامی ذرات موجودات، محبت عام داشته باشد، از آن راه که جملگی آن‌ها از آثار قدرت حق و پرتوی از انوار وجود مطلق است و محبت خالص او نسبت به بعضی به جهت خصوصیت نسبتی که با او دارند باشد» (همان: ۶۴۲).

«چون فضیلت صفت محبت و شرافت آن را یافتی، پس هان هان! سعی کن تا این گوی از میدان برایی و به این افسر کرامت مکرم گردی» (همان: ۶۶۲).

نتیجه‌گیری

معراج السعادة اثر ملا احمد نراقی از مهم‌ترین کتب اخلاقی (به‌ویژه کتب اخلاقی شیعه تألیف‌شده پس از روزگار صفویه) است. تنها اثری که می‌تواند از نظر جایگاه هم‌ردیف آن قرار گیرد، حلیة‌المتقین علامه محمدباقر مجلسی است. البته از نظر موضوعی در این کتاب با آداب مواجه هستیم و از نظر ادبی و زبانی هم تفاوت‌های زیادی میان این دو کتاب وجود دارد.

اعتبار علمی و دینی فاضلین نراقی (ملا مهدی و ملا احمد نراقی) و ویژگی‌های معراج السعادة مثل جامعیت مطالب (استفاده از مباحث حکمی، آیات قرآنی، احادیث و روایات معتبر شیعه و ادبیات غنی فارسی) و داشتن ویژگی‌هایی که از عوامل اقناع مخاطب به شمار می‌روند، باعث شده معراج السعادة اهمیت خاصی در میراث اخلاق اسلامی بیابد. از آنجاکه بحث اقناع مخاطب در کتب اخلاقی مهم‌تر از دیگر کتب است، این عوامل درخور توجه هستند: اظهار هدف و نیت خیر، نگرش چندوجهی و دوری از مطلق‌انگاری، صداقت و صراحت، منفعت، مرغوبیت و حقانیت (دارا بودن اعتبار و لیاقت)، دوسویه و تعاملی بودن، ترتیب و تنظیم مناسب، اخلاقی و انسانی بودن پیام، مستدل و مستند بودن، استفاده از ابزار مناسب (زبان و ادبیات) و فراکلیشه‌ای بودن و جذابیت داشتن (تفکر عرفانی). متن معراج السعادة همچنان برای مخاطب امروزی جذابیت خود را کم‌وبیش حفظ کرده است.

منابع

۱. احمدپور، مهدی، محمدتقی اسلامی، محمد عالم‌زاده نوری، مهدی عزیزاده (۱۳۸۵)، کتابشناخت اخلاق اسلامی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. احمدی، محمد (۱۳۹۷)، رتوریک از نظریه تا نقد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. استادی، رضا (۱۳۸۷)، شرح احوال و آثار ملا مهدی نراقی و ملا احمد نراقی و خاندان ایشان، قم: برگزیده.
۴. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، اعیان‌الشیعة، تحقیق حسن امین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۵. براون، ادوارد (۱۳۶۴)، تاریخ ادبی ایران، جلد چهارم، ترجمه رشید یاسمی، تهران: بنیاد کتاب.
۶. بینش، تقی (۱۳۴۶)، «قابوس‌نامه به اهتمام و تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی»، نامه آستان قدس، ش ۲۶ و ۲۷، ص ۱۶۸-۱۷۱.
۷. تهرانی، آقابزرگ (۱۴۰۳ق)، الذریعة الی تصانیف‌الشیعة، بیروت: درالأضواء.
۸. _____ (۱۴۰۴ق)، طبقات اعلام‌الشیعة، قسم اول از جزء ثانی (الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة)، مشهد: دارالمرتضی للنشر.
۹. دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۲)، «چند اثر فارسی در اخلاق»، فرهنگ ایران زمین، ش ۱۹، ص ۲۶۱-۲۸۴.
۱۰. درایتی، مصطفی (۱۳۹۱-۱۳۹۳)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۱۱. رضازاده شفق، صادق (۱۳۵۲)، تاریخ ادبیات ایران، شیراز: دانشگاه شیراز.
۱۲. سجادی، ضیاء‌الدین (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف، تهران: سمت.
۱۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲)، زبان شعر در نثر صوفیه، تهران: سخن.
۱۴. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۹۵)، ترجمه کتاب الملل و النحل، از مترجمی ناشناخته، نسخه‌برگردان دستنویس شماره ۲۳۷۱ کتابخانه ایاصوفیا، تهران: میراث مکتوب.

۱۵. شیخ، محمود (۱۳۹۴)، *مکتب اخلاقی عرفانی نجف*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۶. صادقیان، فرید (۱۳۹۱)، «سیره و روش تربیتی آیت الله سیدعلی آقا قاضی»، *مجموعه مقالات برگزیده کنگره بزرگداشت آیت الله سیدعلی آقا قاضی*، تبریز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۴۵۶-۴۶۸.
۱۷. طاهری، فاطمه سادات و سعیده بیرجندی (۱۴۰۰)، «شیوه های اقناع مخاطب در کشف المحجوب هجویری در آیینة نقد رتوریکي»، *مطالعات عرفانی*، ش ۳۴، ص ۲۸۹-۳۱۶.
۱۸. قاجار، احمد (۱۳۴۴)، *مصطفی خراب*، به تصحیح و تحشیۀ دکتر عبدالرسول خیامپور، بی جا: بی نا.
۱۹. قمی، عباس (۱۳۴۸ق)، *مقامات العلیة فی موجبات السعادة الأبدیة*، به مباشرت محمدرضا نجفی، نجف: بی نا.
۲۰. _____ (۱۳۸۵)، *الفوائد الرضویة فی احوال علماء المذهب الجعفریة*، تحقیق ناصر باقری بیدهندی، قم: بوستان کتاب.
۲۱. _____ (۱۳۸۹)، *اخلاق و آداب (خلاصۀ معراج السعادة، خلاصۀ حلیة المتقین)*، به کوشش سید محمدرضا حسینی، قم: نور مطاف.
۲۲. کلانتر ضربابی، عبدالرحیم (۱۳۷۸)، *تاریخ کاشان (مرآة القاسان)*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
۲۳. گلپایگانی، اسدالله (۱۳۳۴ق)، *حیات جاوید یا منتخب معراج السعادة*، اصفهان: بی نا.
۲۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۹)، *حلیة المتقین*، قم: لقمان.
۲۵. مدرّس، محمدعلی (۱۳۶۹)، *ریحانة الادب*، تهران: خیام.
۲۶. مشار، خان بابا (۱۳۵۰)، *فهرست کتاب های چاپی فارسی*، تهران: مؤلف.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، *کلیات علوم اسلامی*، جلد دوم (کلام، عرفان، حکمت عملی)، تهران: صدرا.

۲۸. مؤذنی، علی محمد و محمد احمدی (۱۳۹۳)، «درآمدی بر جایگاه فرایند اقناع در فن خطابه و مطالعات ادبی»، پژوهش‌های ادبی و بلاغی، ش ۹، ص ۹۳-۱۱۲.
۲۹. نراقی، احمد (۱۳۶۲)، مثنوی طاق‌دیس، به اهتمام حسن نراقی، تهران: امیرکبیر.
۳۰. _____ (۱۳۷۸)، معراج السعادة، ویرایش جدید، قم: هجرت.
۳۱. نراقی، محمدمهدی (بی‌تا)، جامع السعادات، تعلیق و تصحیح سیدمحمد کلاتر، با مقدمه شیخ محمدرضا مظفر، بیروت: الأعلمی للمطبوعات.

